

ساختمان شعر تبری

• جهانگیر اشرفی نصری

همچنین در بازیهای کودکان [ka] گهره سرپها [gahre-sari] یا لالاییهای مازندرانی، تبری خوانی شرخونیهای بومی و نوروزخوانیها اشعاری می‌یابیم که از نظر شکل و ساختار حالتی ویژه و انحصاری دارند. این ویژگیها را در ادبیات کلاسیک ایران کمتر می‌توان یافت، اما گاهی در برخی از شعرهای فولکلوریک سایر نواحی ایران می‌توان چنین اشعاری را دید. برای نمونه، اشعار موری [Muri] که زنان در سوگ عزیزان و بستگانشان می‌سرایند و می‌خوانند، اغلب خارج از چارچوبهای شناخته شده شعر کهن فارسی است. شاید بتوان موری را به اشعار هجایی شبیه و نزدیک دانست. هرچند اظهار نظر قطعی در مورد ساختمان و وزن و قالب آن، نیاز به کارشناسی و نقّادی جدّی‌تری دارد. این شعر به خاطر هماهنگی با جملات ملودی، گوشواره‌هایی را به دنبال دارد که با جملات اصلی شعر تفاوت دارند. مصراعهای موری کوتاه و بلند است و نظم و ترتیب خاصی ندارد و تقدّم و تأخّر و کوتاهی و بلندی مصراعها بیشتر تابع احساسات سراینده است.

تره رابه را رابه را چش بکشیمه - ننا تنه دا / بر راها چشم دوختم - مادر به فدایت

tere. va. ve. ves. baksime-nenateneda

تره بالامله راه دله ندیمه - ننا تنه دا / عاقبت ترا در راههای محله بالا ندیدم - مادر به فدایت

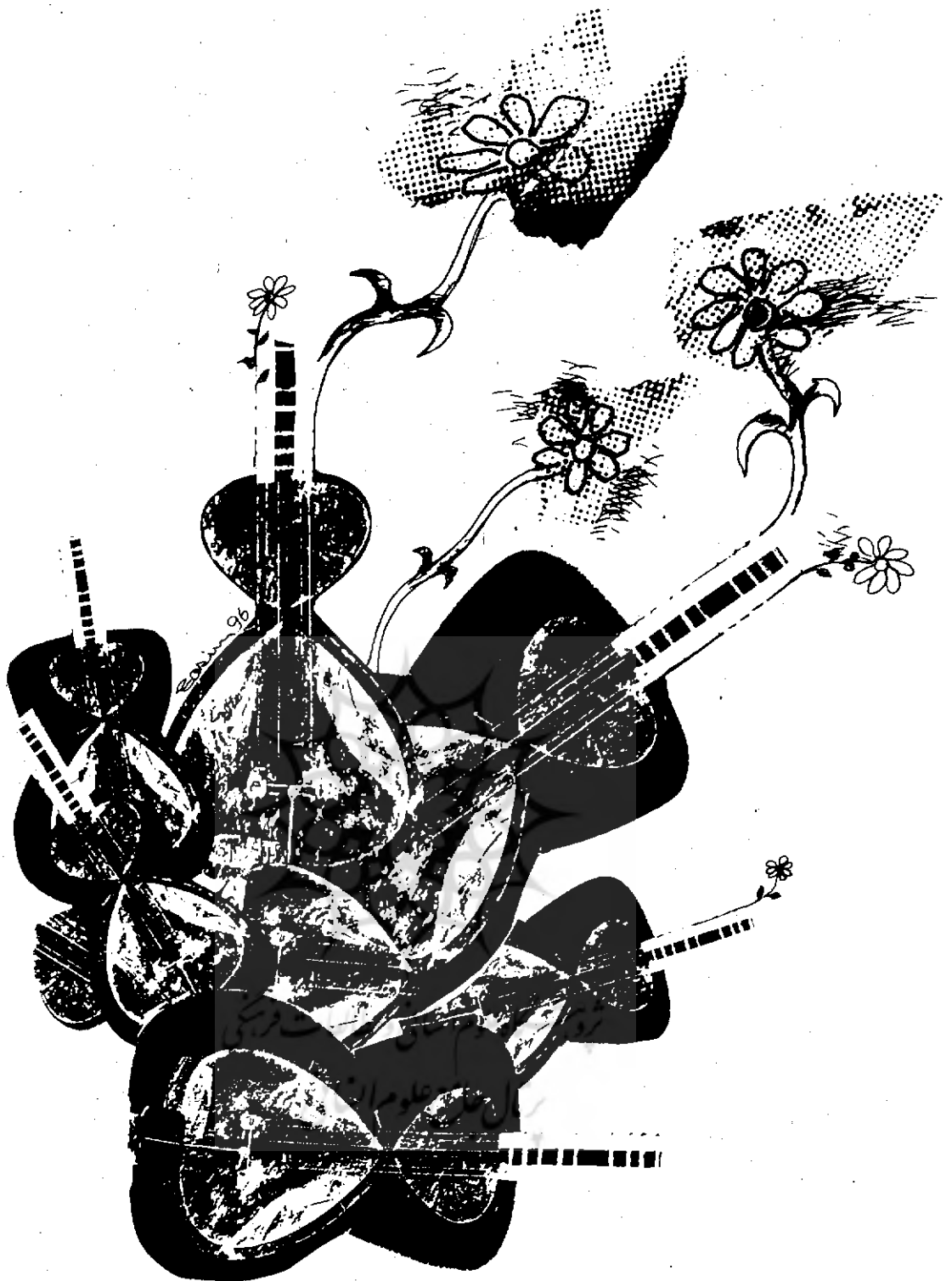
tere. balamale. vahe. dele. nadime. henateneda

تره جومه بیوفتمه گال گال نخشین - ننا تنه دا / برایت جامه‌های رنگانگ بافته ام - مادر به فدایت

امروزه بسیاری بر این باور خطا پای می‌فشارند که شعر تبری بدون موسیقی تبری معنی و مفهومی ندارد و پیدایش و تحول آن تابعی از موسیقی است. بی تردید موسیقی در حفظ و انتقال کلیه اشعار نامکتوب و شفاهی زبانها و گویشهای بومی نقش بسزایی داشته است و در این میان، شعر تبری نیز از این قاعده برکنار نیست. (استفاده گسترده خنیاگران [خونش گر kunes-ger] و نقّالان [شرخون ser-kun] از شعر تبری در مراسم آیینی و سنتی منطقه که معمولاً با موسیقی آوازی همراه بوده، در ادامه حیات آن سهم بسیاری داشته است)؛ اما ما با گونه‌هایی از شعر تبری مواجهیم که ارتباط چندانی با موسیقی این منطقه ندارد و از حوزه ساختاری آن خارج است.

شعر تبری در جریان تحول و تکامل طبیعی خود، دو دوره جداگانه را پشت سر نهاده است و در این میان، گونه‌هایی از شعر تبری وجود دارد که چه از نظر ساختاری و چه از نظر مضمونی، کهنتر از بقیه است. شاید بتوان این گونه اشعار را با توجه به سبک و سیاق ساختمان آنها و وابستگی مضامینشان به زندگی و معشیت دامی و کشاورزی کهن و همچنین وجود برخی از باورها، خرافه‌ها و نام و نشان ابزار و ادوات ابتدایی و متروک، به قبل از اسلام نسبت داد. حال اینکه گروه دیگری از اشعار تبری، با توجه به تأثیرپذیری آشکار آنها از سبکها و مضامین ادبیات پس از اسلام، به سده‌های چهارم هجری و پس از آن مربوط می‌شوند.

در حال حاضر می‌توان نمونه‌هایی از شعر کهن تبری را در برخی از آیینها و سنتهای معیشتی در نواحی کوهستانی یافت.



تبری اگرچه از نظر شکل و قالب شباهتهای با دوبیتی‌ها و رباعیات دارد، ولی با هیچ کدام از آنها مطابق نیست. تبری را نه تنها در ادبیات کلاسیک فارسی، بلکه در ادبیات بومی هیچ یک از نواحی ایران نمی‌توان یافت. البته شاعر و عارف شهید قرن هشتم گیلان، شرفشاه دولایی اشعار خود را در این قالب ریخته است. از همین رو می‌توان این شعر را نوعی سبک کنار خزری دانست.

تبری بعدها به دلیل اشعار منسوب به امیر پازواری، به

tere. jume. bebufteme. galenxsin

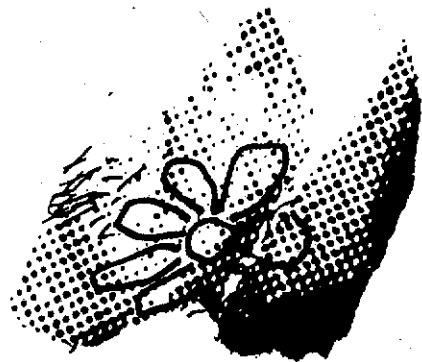
تره خار هکاردمه متکا و جاجیم - ننا تنه دا / برایت بالش و روانداز درست کرده ام - مادر به فدایت

tevexar. hakerdeme. metja. vajajim

چتی ته متکاره نناها کنه سرین - ننا تنه دا / چگونه بالشت را (بدون تو) زیر سرم بگذارم - مادر به فدایت!

ceti te met kare. nena. hakené. sarin

تبری [tabri] از گونه‌های دیگر شعر کهن مازندرانی است.



صاحب نظران ادبیات شفاهی ایران نسبت به این گونه اشعار، دو نظر کاملاً متفاوت ارائه کرده‌اند. ملک الشعرای بهار این گونه اشعار را ادامه شعر هجایی ایران باستان دانسته که از ادبیات کلاسیک ایران تأثیر یافته است. استاد آقاجانیان، ادیب و موسیقیدان و پژوهشگر ادبیات عامیانه ایران نیز بر این باور است.

دکتر کامیاب در بررسی ادبیات عامیانه ایران، این گونه اشعار را سازگار با نظام عروضی شعر پارسی دانسته و وجود جنبه‌های هجایی و کوتاهی و بلندی مصراعها را در آنها ناشی از حالات ابتدایی، ناپختگی و عدم تکامل آنها می‌داند. به هر حال، وجود گونه‌های متفاوت و متنوع در این گونه اشعار، نیازمند بررسیهای جدیتر صاحب نظران و کارشناسان است

تلکا اسبه وزق - گلابی نرسیده جنگلی

teleka-esbe-vezaq

یتا دتا یتا دتا - یی دوتا یکی دوتا

yetta-deta-yetta-dta

سگا بمونه وقا وق - سگها به واق واق درآمده‌اند

saga-bemone-vaq-a-vaq

یتا دتا یتا دتا - یکی دوتا یک دوتا

yetta-deta-yetta-deta

تپوک باخار کنه سر - چه کسی باید تو سری بخورد

tapuk-baxare-kene-sar

تپوک با خار کله سر - سر کچل باید تو سری بخورد

tapuk-bazare-kal-e-sar

یتا دتا یتا دتا - یکی دوتا یکی دوتا

yetta-deta-yetta-deta

برخی از اشعار که مربوط به باورهای معشیت داسی و کشاورزی بدوی هستند نیز از نظر ساختمان به این نوع اشعار مانندند. این اشعار نیز وابستگی ژرفی به آهنگ و کلمات آهنگین دارند:

آقا بزک - آقا توکا

aq-a-bozek

آقا بزک - آقا توکا

aq-a-bozek

دودوک بز بنو پیشتر - بدو و جلوتر بیا

duduk-bazen-beru-pister

اجیک دره اینجه پیشتر - اینجا کرم خاکی بیشتر است

«امیری» شهرت یافت. دو نمونه تبری که اولی منسوب به شرفشاه و به لهجه گیلی و دومی از آن به امیرپازواری است، در پی می‌آید.

شرفشاهی:

می دل دوستا تو مگو که استم دوستدار - ای دل به دوست مگو دوستدارش هستی

mi-del-dust-a-tu-magu-ke-estam-dustar

مهری به دل دارند بزبان مکن اشکار - مهری را که بر دل داری به زبان خویش آشکار مکن

mehri-badel-davand-bazaban-makun-asakar.

خصما تو بران بخوشی استه بدل کین دار - دشمن را به زبان خوش دور کن که در دلش کینه است

xasma-tu-baran-baxusi-asta-badel-kindar

بدل دشمنی صحبت وانبر سازگار - کلمات خصمانه با دل سازگار نیست

*badel-dusmani-vanabu sazagar

امیری:

نماشتر سر ویشه بهیبه خاموش - غروب هنگام بیشه خاموش شده است

nemastere-sar-vise-bahiye-xamus

مس بلبل ناله بموه مه گوش - ناله بلبل مست به گوش من رسیده است

masse-belbele-nale-bemue-me-gus

نه مرده فلک حلقه دکرده مه گوش - فلک ناجوانمرد بر گوشم حلقه افکنده است

namarde-falek-halqe-dakorde-me-gus

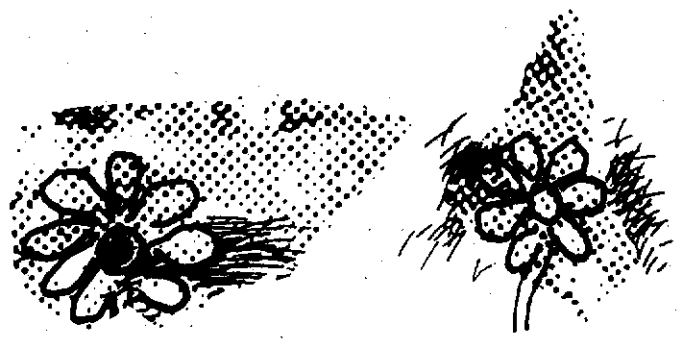
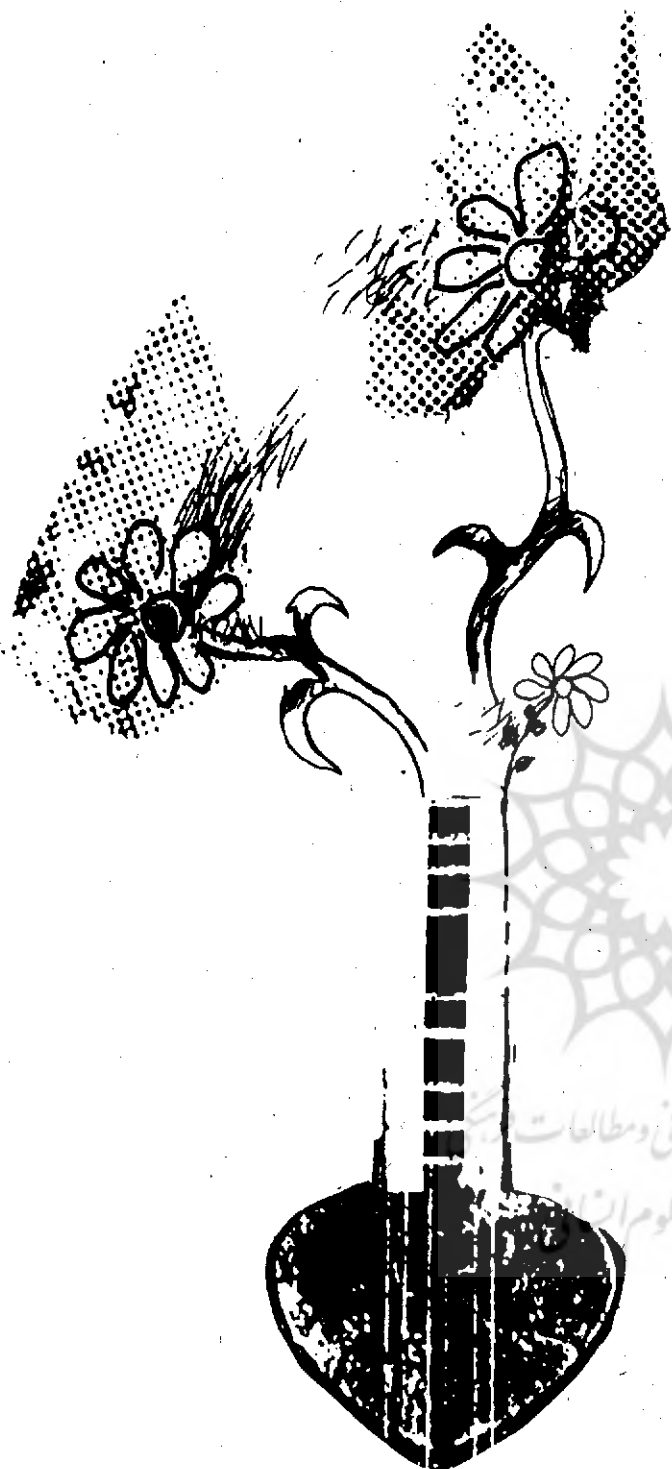
و نه بمردن بوردن چهار کس دوش - باید مرد و بردوش چهار کس قرار گرفت

vene-bamerden-burden-cahar-kase-dus

□□□

از دیگر نمونه‌های شعر تبری، باید از اشعاری یاد کرد که در بازیه‌های کودکان خوانده می‌شوند و هر یک سبک و سیاق خاصی دارند. این اشعار در نگاه اول، حالاتی شبه هجایی و شبه عروضی دارند و تلفیقی از هردو به نظر می‌رسند. از ویژگیهای این اشعار، اتکای آنها به آهنگ و چیده شدن یک رشته کلمات آهنگین در کنار هم است. نظیر اینگونه اشعار در ادبیات کودکان دیگر نقاط و نواحی ایران نیز دیده می‌شود.

شماره ۲۱



ajik-dare-inje-vister

برو پیشتر - بیا جلوتر

beru-pister

برو پیشتر - بیا جلوتر

beru-pister

همکاران ما در فرهنگسرای مازندران، در پژوهشهایی که در نواحی کوهستانی انجام داده اند، به گونه هایی متفاوت و بدیع از این گونه اشعار برخورده اند که حاکی از پیشینه کهن و ریشه دار ادب و شعر تبری است. در این مقاله مختصر نمی توان همه نمونه های شعر تبری را به علاقه مندان ارائه کرد، اما باید گفت در شعر فولکلوریک منطقه، نمونه ها و شکل های بس متفاوت - چه از نظر ساختاری و چه به لحاظ مضمونی - وجود دارد، که اشعار طنزآمیز در شمار آنهاست.

یارو هه - یارو هه

yaru-ha

یارو هو - یارو هو

yaru-hu

یارو ورف سرکو - یارو برف سرکوه

yaru-varfe-sare-ku

یارو خشک هائیه چو - یارو چون چوب خشک

yaru-xesk-haite-cu

یارو دَوسته لینگ دَوسته کینگ کلوم منگو - یارو ماده گاو دست و پابسته کنج طوبله

yaru-daveste-ling-daveste-kink-kelume-mangu

یارو ننا و سرسم - یارو چون پونه و نعنا

yaru-nana-o-sersem

پس از قرن چهارم هجری در اثر گسترش رفت و آمد مردم منطقه به نواحی دیگر کشور و کوچ اختیاری و اجباری برخی از قومها و طایفه های ایرانی به منطقه، شعر تبری به گونه ای آشکار از شعر فارسی تأثیر پذیرفت. خاصه پس از رواج تعزیه در منطقه که پس از به قدرت رسیدن دولت صفوی آغاز شد و در دوره قاجار به اوج خود رسید، اشعار فولکلوریک همانند موسیقی، تحولی بنیادین یافت. دوبیتی ها و فهلویات، مثنوی، مسمط، غزل، قصیده و شمار دیگری از شکلهای قالبهای شعر فارسی وارد ادبیات منطقه شد و همراه با مضامین متعالی جای پای محکمی پیدا کرد. در این مقطع، شعر بومی ناچار شد برای بقا و ادامه حیات خود با این دریای بیکرانه و ژرف همراه و هماهنگ شود.

پس از این دوره، حضور سنگین شعر فارسی بر سر ادبیات بومی سایه افکند. این موضوع موجب شد تا اشعاری پدید آید که از نظر سبک و قالبهای شعری ملهم از ادبیات فارسی، ولی از نظر حالات، واژگان، قواعد زبان و برخی از فنون و ظرافتهای ساختاری برگرفته از شعر تبری هستند.